

خاتمه:

از جمله اموری که بسیار در ادبیات دینی مورد استعمال است، «لعن» است. و از آنجا که ممکن است چنین تصور شود که لعن نوعی سبّ است، لازم است به بررسی آن پردازیم تا معلوم شود که رابطه آن با بحث سبّ چیست.

ما می‌گوییم:

۱. در منابع اهل سنت نقل شده است که: «اللّعن ابلغ فی الثّبیح من السّبّ المطلق»^۱ مطابق این کلام، لعن غیر از سبّ است (اگر چه قبیح تر دانسته شده است). البته این منابع می‌نویسند که ممکن است لعن در معنای سبّ هم استعمال شود ولی ظاهراً این استعمال را مجازی دانسته اند^۲ چنانکه می‌توان همین مجاز را از برخی از آنچه به عنوان شاهد مطرح شده است، استظهار کرد.

۲. نکته مهم آن است که لعن در کتاب های لغت به معنای «دعا برای آنکه ملعون از رحمت خدا به دور باشد» دانسته شده است.

۳. راغب در مفردات به صراحت می‌نویسد:

«اللّعنُ: الطّرد والإبعاد علی سبیل السّخَطِ [خشم]، وذلک من الله تعالی فی الآخرة عقوبة،

وفی الدّنيا انقطاع من قبول رحمته وتوفیقه، ومن الإنسان دعاء علی غیره»^۳

۴. مجمع البحرین هم لعن را طرد از رحمت دانسته و معنای آیه شریفه «لعنهم الله بکفرهم» را دور کردن از رحمت برشمرده است و می‌نویسد: عرب هرگاه کسی از آن‌ها تمرّد کند، او را طرد می‌کنند تا به آن‌ها ملحق نشود و می‌گویند: «لعنُ بنی فلان»^۴

از این مطلب معلوم می‌شود که لغت لعن برگرفته شده از طرد کردن های خارجی بوده است.

۵. همین مطلب را معجم مقاییس اللغه مورد اشاره قرار داده است و می‌نویسد: «لعن الله الشیطان: ابعده عن الخیر و الجنة»^۵ این کتاب سپس می‌نویسد که هرکه مطرود است را «لعین» می‌خوانند.

۶. زمخشری هم در اساس البلاغه تصریح دارد که «لعن الشیطان» یعنی آنکه خدا او را از جوار ملائکه و از بهشت طرد کرده است.^۶

۱. الموسوعه الفقهیة، ج ۳۵، ص ۲۷۲

۲. همان، ج ۲۴، ص ۱۳۴

۳. المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۴۱

۴. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۲۴

۵. ج ۵، ص ۲۵۲

۶. ص ۶۷۶





این کتاب همچنین می نویسد که از استعمالات مجازی لعن آن است که عرب ها وقتی به ملوک می رسند، در مقام تحیت می گویند «أبيتَ اللعن». (یعنی شما کاری نکرده ای که مستوجب لعن شده باشی.) و ظاهراً مراد آن است که به ملک می گویند شما کارینکردی که باعث شود ما از شما دوری کنیم یا ما را طرد کرده باشی یا باعث دور شدن خود شده باشی (و این با معنای دور بودن سازگار است)

۷. البته خلیل در العین، ضمن اینکه می نویسد «لعنه الله» یعنی «او را دور کرد»، می نویسد «لعین یعنی مشتوم و لعنته یعنی سب کردم او را» اما همین کتاب در ادامه «لعنت» را «دعای علیه کسی» معنا کرده است.^۱

۸. لسان العرب هم علاوه بر تاکید بر اینکه لعن به معنای دوری از خیر است می نویسد که «قیل الطرد و الابعاد من الله و من الخلق: السبّ و الدعاء».

انتساب معنای سبّ به «قیل»، دال بر صفت معنا است چرا که در ادامه همین کتاب «لعنه» را «طرد کرد او را» معنا کرده است.^۲

این کتاب «لعین» را کسی که مطرود است معنی می کند و البته به «ازهری» نسبت می دهد که لعین را مشتوم دانسته است.^۳ وی می نویسد که به گرگ هم «لعین» گفته می شود چون از مردم دور است و شیطان هم چون از آسمان و از خدا طرد شده است، لعین خوانده می شود.^۴ وی همچنین می نویسد که لعن به معنای مسخ هم می باشد چنانکه در قرآن آمده است: «نلعنهم كما لعنا أصحاب السبت»^۵ (البته روشن است که این به آن معنی نیست که معنای لعن مسخ است بلکه به این معنی است که به سبب مسخ کردن، آن یهودیان از رحمت الهی دور شدند)

۹. مرحوم مصطفوی درباره این لغت می نویسد:

« أن الأصل الواحد في المادة: هو الإبعاد عن الخير و العطفة بعنوان السخط عليه، و هذا من الله تعالى إبعاد عن رحمته و لطفه. و من الناس إبعاد عن رحمة الله تعالى بالدعاء عليه و المسألة من الله بسخطه و غضبه عليه. و لما كان مفهوم اللعن هو الطرد عن جهة الحقّ و عن الرحمة و الخير:

۱. ترتیب کتاب العین، ص ۷۳۸

۲. ج ۱۲، ص ۲۹۲

۳. همان

۴. همان

۵. سوره نساء، آیه ۴۷



فيكون استعمال المادّة في طرد الناس و إبعادهم فيما بينهم تجوّزاً، إلّا أن يراد الطرد الراجع الى طرد الله تعالى، كما في طرد الأنبياء و الأولياء الذين يكون البعد عنهم بعدا عن الله عزّ و جلّ.

فإطلاق اللّعينِ على الرجل أو على حيوان مخصوص كالذئب أو على طعام أو شيء آخر، إن كان النظر الى كونه في مورد سخط و غضب من جانب الله تعالى، بعصيان أو ظلم أو تخلف تكوينيّ عن الرحمة: فهو حقيقة، و إلّا فهو تجوّز و استعارة.^۱

ما می گوئیم:

۱. با توجه به آنچه گفتیم روشن است که «لعن» در اصل به معنای طرد کردن یک نفر از یک گروه بوده است و این در عرف عرب (و حتی اقوام دیگر) دارای آثار مخربی بوده و برای «ملعون» فاجعه تلقی می شده است. چرا که عدم اتصال به جمع و قبیله خاص او را از دفاع و حمایت آن ها محروم می ساخته است و روشن است در عرفی که با غارت ارتزاق می کرده و بدون حمایت (که گاه در اثر ولاء پدید آمده است) امکان حیات اجتماعی و اقتصادی و زندگی آرام را نداشته است، تا چه حد مشکل آفرین بوده است.

پس «لعن کردن» یعنی فرد را از خود راندن و لذا اگر خدای سبحان می فرماید که فردی ملعون است، او را از خود رانده است و به خود واگذار کرده است و اگر کسی دیگری را لعن می کرده است، یا به معنای نفرین بوده (یعنی از خدا می خواسته که خدا او را از خود براند) یا به معنای آن بوده که لعن کننده، ملعون را از خود و جامعه خود رانده است.

۲. با توجه به آنچه گفتیم روشن است که لعن سبّ نیست و اگر در معنای سبّ استعمال شده باشد، مجاز است (چنانکه بزرگان تصریح کرده بودند) و لذا هر حکمی درباره لعن جاری باشد، ربطی به سبّ و احکام سبّ ندارد.

۱. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۰، ص ۲۰۱